

ارزیابی مرزهای خانواده در روان‌شناسی از نگاه قرآن و روایات

جعفر هوشیاری* و محمد مهدی صفورایی پاریزی**

چکیده:

خانواده در نگاه قرآنی، منظومه‌ای مقدس با مرزهای روشن و صریح است که حفظ آن مرزها بر همگان لازم و عبور از آن‌ها پیامدهای متعددی در پی دارد. امروزه با توجه به تغییر نگاه به خانواده و رواج الگوهای نوین و نامتعارف آن، ساختار کلی خانواده دستخوش تغییراتی شده است، که ناپهنجاری و عدم پابندی به مرزهای خانواده یکی از عوامل زیربنایی آن است. پژوهش حاضر باهدف ارزیابی مرزهای خانواده در روان‌شناسی و تبیین مرزها از دیدگاه اسلام، به روش توصیفی و تحلیل محتوای بیش از یکصد آیه قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد، در رویکرد اسلامی؛ خانواده مقدس، مرزها واقعی و دارای جعل الهی است. درمان تعارضات خانوادگی برگشت و پابندی به مرزهای اسلامی خانواده می‌باشد. مرزهای خانواده؛ اوامر، نواهی و رخصت‌های الهی هستند؛ که باهدف تنظیم کارکرد و تعالی خانواده و اعضای آن بیان شده است. مرزهای درونی و بیرونی خانواده دارای سه نوع (اعتقادی، اخلاقی و رفتاری) با دو کیفیت «الزامی غیر منعطف و غیر الزامی منعطف» است. تقدم پیوند مکتبی بر پیوند خویشاوندی، کیفیت تکوین و انحلال خانواده، حدود روابط جنسی همسران، حفظ حریم خانه و خانواده، قوانین ناظر به تعاملات اعضای خانواده باهم و با سایرین و سلسله‌مراتب حجاب از جمله مهم‌ترین مرزهای خانواده می‌باشند. رویکرد ساخت‌نگر به دلیل عدم تطابق کامل با آموزه‌های اسلامی، در جوامع دینی قابل اجرا نبوده و برگشت به مرزهای دینی خانواده پیشنهاد می‌شود.

کلمات کلیدی: خانواده، مرزهای درونی و بیرونی خانواده، رویکرد ساخت‌نگر، قرآن، روان‌شناسی.

* دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی جامعه المصطفی العالمیه
** دانشیار و عضو هیئت‌علمی جامعه المصطفی العالمیه

خانواده یک نظام انعطاف‌پذیر و پویاست که دارای ساختار ویژه‌ای است. مدل کلاسیک ساختاری خانواده از جمله رویکردهای روان‌شناختی است که به ترسیم ساختار خانواده از جمله مرزهای درونی و بیرونی آن پرداخته است. مرزهای ارتباطی خانواده گویای حریم‌هایی هستند که افراد خانواده را از نظر روانی از یکدیگر جدا می‌کنند و به شکل‌گیری زیرمنظومه‌ها منجر می‌شوند. مرزها اگر به خوبی مشخص نشوند، تداخل وظایف و نقش‌ها، منجر به ناکارآمدی و بازماندن خانواده از اهداف عالی خود می‌گردد. برای کارایی زیر منظومه‌های خانواده ضروری است؛ فاصله‌ها و مرزهای ارتباطی اعضای خانواده باهم و با دیگران تعریف و حفظ شود. برخی صاحب‌نظران حوزه خانواده از جمله «سالوادور مینوچین»، یکی از علل تعارضات خانوادگی را ابهام و عدم پایداری به مرزهای درونی و بیرونی خانواده دانسته و درمان آن را ایجاد مرزهای بهنجار اعلام کرده است (مینوچین، ۱۳۷۵). پژوهش کلاتتری و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان «مرور سه دهه تحقیقات «علل طلاق» در ایران»، نشان داد حدود ۸ درصد از طلاق‌ها، ناشی از عوامل خانوادگی از جمله عدم پایداری به مرزها است.

تحولات اجتماعی، صنعتی و علمی، مشکلات متعددی برای خانواده در بیشتر جوامع، از جمله جامعه ایران پدید آورده است. اختلافات خانوادگی، افزایش آمار طلاق‌های حقوقی و عاطفی، پیدایش خانواده‌های نامتعارف^۱، فرزندان بی‌سرپرست، بزهکاری نوجوانان و جوانان و مانند آن، نشان از مشکلات خانواده دارد. خانواده مادر حقیقی جامعه است و گام نخست اصلاح و تکامل جامعه، سلامت خانواده است (تفسیر هدایت، ج ۷، ص ۵۶). جامعه‌ای که ارزش خانوادگی در آن سقوط کرده باشد به‌آسانی به گرداب مفاسد و فحشاء فرومی‌افتد (همان، ج ۸، ص: ۲۵۵). وجود این مشکلات، نشان‌دهنده ناکارآمدی نظریه‌های خانواده برآمده از مبانی سکولار غربی، ناهمخوانی آن‌ها با مبانی بینشی و رفتاری جوامع دینی، نیاز بشر به تغییر نگاه به خانواده و ترسیم مرزهای ارتباطی آن بر اساس آموزه‌های وحیانی است.

قرآن به دلیل جامعیت، جاودانگی و خطاناپذیری مبانی ارزیابی علوم انسانی غربی و سرچشمه علوم انسانی اسلامی است. مقتضای جامعیت و جاودانگی قرآن (انعام/ ۵۹) و جایگاه رفیع ازدواج و خانواده در فرهنگ قرآنی (نور/ ۳۲؛ روم/ ۲۱)؛ وجود قوانین محکم، جامع و شفاف در رابطه با خانواده است (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص: ۱۱) که می‌تواند پاسخ‌گوی سؤالات مطرح در حوزه ساختار خانواده به‌ویژه مرزهای آن باشد. ارائه رویکردهای علمی به قرآن و استخراج نظرگاه آن، از گام‌های مقدماتی تکوین علوم انسانی اسلامی است. هدف پژوهش حاضر ارزیابی مرزهای خانواده در روان‌شناسی با رویکرد قرآنی، پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش و بیان دیدگاه قرآن در مورد مرزهای ارتباطی خانواده است.

^۱ - Queer Families

پژوهش‌هایی با موضوع مرزهای ارتباطی خانواده انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم؛ سالاری‌فر (۱۳۷۹) در ضمن پژوهشی با عنوان «مقایسه نظریه خانواده‌درمانی مینوچین با دیدگاه اسلام» به بررسی مختصر مرزهای خانواده پرداخته است. تحقیق کیانی و همکاران (۱۳۸۹) با عنوان «ابعاد جهت‌گیری مذهبی و مرزهای ارتباطی خانواده» و تحقیق حسینی و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان «بررسی و مقایسه میزان به‌کارگیری آموزه‌های اسلامی خانواده محور در خانواده‌های سالم و آشفته» به‌صورت محدود مرزهای خانواده را بیان کرده‌اند.

علاوه بر خلاء پژوهشی در زمینه ارزیابی مرزهای خانواده از دیدگاه قرآن، ضرورت دیگر این تحقیق نیاز به‌بیش‌ازپیش جوامع کنونی به ترسیم مرزهای خانواده بر اساس منابع وحیانی برای رهایی از معضلات و تعارضات روزافزون خانواده است. بدین منظور، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

- ۱- در روان‌شناسی چه مرزهایی برای خانواده ترسیم شده است؟
 - ۲- در قرآن و روایات چه مرزهایی برای خانواده ترسیم شده است؟
 - ۳- چه شباهت‌هایی بین مرزهای خانواده از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی وجود دارد؟
 - ۴- چه تفاوت‌هایی بین مرزهای خانواده از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی وجود دارد؟
- روش پژوهش حاضر؛ توصیفی و تحلیلی محتوا در بستر قرآن‌پژوهی همراه با استفاده از مفاد احادیثی است که پیرامون آیات موردبحث از امامان معصوم علیهم‌السلام رسیده است.

مفهوم شناسی خانواده

خانواده یک واحد کوچک اجتماعی شامل پدر، مادر و فرزندان آن‌ها است (فرهنگ عمید، ج ۱، ص: ۸۲۸). خانواده در اصطلاح روان‌شناسی؛ یک سیستم اجتماعی، شامل گروهی از افراد است که بر اساس ازدواج، تولیدمثل و پرورش فرزندان باهم زندگی می‌کنند، اما برخی خویشاوند بودن افراد خانواده را ضروری نمی‌دانند (وود، ۱۹۹۶). ساخت‌نگرها خانواده را ساختاری شامل منظومه‌ها^۱، مرزها^۲ و نقش‌ها می‌دانند. در یک خانواده هسته‌ای سه زیرمنظومه زوجینی (زناشویی)، والدینی و فرزندان وجود دارد. هر عضو خانواده برحسب تکالیفی که در درون ساختار خانواده بر عهده دارد و نقش‌هایی که از آنان انتظار می‌رود ممکن است در یک یا چند نظام فرعی قرار گیرند (نسلون، ۱۹۹۱).

^۱ - Subsystem

^۲ - Boundary

خانواده در نگاه اسلامی یک منظومه مستقل با جایگاهی رفیع و ارزشمند است^۱ که بر پایه کفویت ایمانی، تقوایی و احسان^۲ شکل می‌گیرد (بهشتی، ۱۳۸۵، ص: ۵۰)، زمینه پیشرفت معنوی (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص: ۱۸)، دوری از گناه (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص: ۱۵۰)، شادی و نشاط (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص: ۳۹) می‌گردد و می‌تواند بستر تربیت خلیفه‌الله باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۴، ص: ۱۲۸). ورود به آن، صرفاً از طریق تولد، ازدواج یا فرزندخواندگی صورت می‌پذیرد (شاهوران‌فرد، ۱۳۹۴، ص: ۵۷) و انحلال آن نیز تابع قوانین خاصی از جمله طلاق است تا از تیررس هواهای نفسانی افراد مصون بماند؛ بنابراین خانواده نهادی است مقدس که با ازدواج یک مرد و حداقل یک زن شکل می‌گیرد، در اکثر موارد دربرگیرنده حداقل یک نوع از فرزندان نسبی، رضاعی، فرزندخواندها و اعضای سببی و دارای کارکردهای وضعی، وظیفه‌ای و مأموریتی است که برآیند آن‌ها تعالی فردی و اجتماعی می‌باشد (هوشیاری، جزایری، ۱۳۹۵).

مرزهای خانواده در روان‌شناسی

مرزهای خانواده برای نخستین بار به صورت علمی توسط رویکرد ساخت‌نگر خانواده مطرح شد. پایه رویکرد ساختاری خانواده، تئوری سیستمی است که توسط برتالانفی^۳ (۱۹۵۶) مطرح شد. نقطه ورود این تئوری در مباحث خانواده به دهه ۵۰ میلادی برمی‌گردد و شامل مدل‌های فراوانی می‌شود از جمله مدل کلاسیک ساختاری (زیمون، ف.ج، ۱۳۷۹، ص: ۳۷). رویکرد ساختاری خانواده با همانندسازی از نظریه سیستم‌ها توسط آقای سالوادور مینوچین^۴ (۱۹۷۷) پزشک روان‌کاو آمریکایی پایه‌گذاری شد. خدمت مدل مینوچین در بیان اهمیت و مرزهای خانواده نهفته است (شلیپه و شوایتزر، ۱۳۸۰، ص: ۳۶). با بیان این مقدمه، به تبیین مرزهای خانواده و ارزیابی آن‌ها می‌پردازیم.

یکی از مؤلفه‌های ساختار خانواده، «مرز» است. مرزها خطوط نامرئی و فرضی هستند که افراد را از نظر روانی از هم جدا می‌کنند (مینوچین، ۱۳۸۶، ص: ۲۴۳). مرز حائل مفروضی در خدمت حفظ و پیشبرد، تمایز و یکپارچگی خانواده به عنوان یک کل، زیرمنظومه‌های خانواده و تک‌تک اعضای خانواده است. مرز، استعاره‌ای برای مرادفات ویژه است که به طور منظم مابین منظومه‌ها در جریان است. مرزهای یک زیرمنظومه، عبارت از مقرراتی است که معین می‌کند چه کسی و چگونه جزو و در تعامل با این زیرمنظومه است. در نظام خانواده مرزها امری

۱ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا بَيْنِي وَبَيْنَ الْإِسْلَامِ - أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ التَّوْبِخِ، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۴.

۲ - «با زنان مشرک و بت‌پرست تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید و زنان خود را به ازدواج مردان بت‌پرست تا ایمان نیاورده‌اند، درنیاورید» (بقره/ ۲۲۱).

۳ - Bertalanffy

۴ - Minuchin, Salvador

۵ - structural

روان‌شناختی است و به اموری مانند روابط کلامی و غیر کلامی مربوط می‌شود (بارکر، ۱۳۷۵). به‌طور کلی؛ مرزها کیفیت تعامل و ارتباط منظومه‌های خانواده باهم و تعامل کل نظام خانواده با بیرون از خانواده را نشان می‌دهد. در حقیقت مرزها همان انتظارات متقابل و مقرراتی هستند که اعضا نسبت به همدیگر و نسبت به بیرون از خانواده دارند و کارکرد آن‌ها؛ متمایز کردن محدوده و نقش منظومه‌هاست (تامپسون و رادلف، ۲۰۰۲). مرزهای خانواده دارای انواعی است که به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

انواع مرزهای خانواده

در روان‌شناسی به‌ویژه رویکرد ساخت‌نگر، مرزهای خانواده بر اساس تعاملات اعضای آن باهم و با افراد دیگر به دو نوع کلی «درونی و بیرونی» تقسیم شده است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۶) و هر نوع از آن دارای اقسام و ویژگی‌های خاصی است.

الف. مرزهای درونی

درون خانواده سه زیرمنظومه؛ زوجین، والدین و فرزندان وجود دارد که هر کدام مرز خاص خود را دارند. مرزهای درونی، جداکننده نظام‌های فرعی و منظومه‌های درون خانواده هستند (توزنده‌جانی، ۱۳۸۴). درگیری‌های خانوادگی اغلب برآمده از ابهام مرزهاست که می‌تواند میان زوجین یا سایر منظومه‌ها باشد. هنگامی اعضای خانواده می‌توانند مسیر کمال را طی کرده و تعارضات درونی خود را حل نمایند که مرزها روشن شود. این مرزها از نظر انعطاف، نفوذپذیری و سایر ویژگی‌ها متفاوت و دارای سه کیفیت کلی «روشن و منعطف، مبهم و تنیده، گسسته» می‌باشند (گلدنبرگ، گلدنبرگ، ۱۳۸۵، ص: ۱۴۲).

مرزهای درونی روشن و منعطف

مهم‌ترین ملاک سلامت منظومه‌های خانواده؛ برخورداری از مرزهای روشن مبتنی بر نقش‌ها، قواعد و قدرت است (تامپسون و رادلف، ۲۰۰۲). روان‌شناسان سیستمی خانواده؛ مانند مینوچین (۱۹۷۴) و جی‌لی (۱۹۷۶) وجود مرزهای روشن و صریح خانوادگی را از مسائل ضروری کارآمدی خانواده می‌دانند (زیمون، ف.ج، ۱۳۷۹، ص: ۲۳۵؛ پروچسکا، ۱۳۸۵، ص: ۴۴۵). در مرزهای روشن و منعطف، زیرمنظومه‌ها در عین اینکه مستقل عمل می‌کنند، باهم متحدند. اعضای هر زیرمنظومه در عملکرد منظومه‌های دیگر مداخله نمی‌کند و سلسله‌مراتب قدرت در خانواده برقرار است (نیکلز و نیکلز، ۱۳۸۷، ص: ۲۴۲). در خانواده‌های کژکار مرزهای بین اعضا نامشخص و حمایت و همکاری وجود ندارد (جی‌لی، ۱۳۷۵).

زیرمنظومه زوجینی باید دارای مرزهای روشن و نیرومند باشد (کرو و ریدلی، ۱۳۸۴). مینوچین معتقد است؛ زیرسیستم زناشویی برای محافظت از امور خصوصی زن و شوهر، باید مرزهای بسته‌ای داشته باشد (پروچسکا، ۱۳۸۵، ص: ۴۴۵). مرزهای زیرمنظومه زوجینی باید به‌قدری روشن و پررنگ باشد که مانع دخالت سایرین شود (مینوچین، ۱۳۸۳، ص: ۱۹۳). این

امر به شکل‌گیری مطلوب زیرمنظومه زوجینی در مراحل «تفرد» موفق از پیکره نظام قبلی و «عضویت» موفق در نظام جدید بستگی دارد (یونسی، ۱۳۸۸).

مرزهای درونی مبهم و تنیده

مرزهای درهم‌تنیده به شدت گنگ و نامتمایزند، در حد ناچیزی تفکیک شده‌اند، به‌سادگی قابل عبورند و از سوی سایر اعضای خانواده مورد تجاوز قرار می‌گیرند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۵، ص: ۱۴۳)، رفتار یک عضو بی‌درنگ روی دیگران اثر می‌گذارد، استرس یکی از افراد شدیداً از مرزها عبور کرده، در سایر منظومه‌ها منعکس می‌شود (موسوی، ۱۳۸۳، ص: ۱۳۱). مینوچین خانواده با مرزهای مبهم و تنیده را بدکار می‌داند (مینوچین، ۱۳۸۳، ص: ۸۵). یکی از پیامدها و نشانه‌های ابهام و تنیدگی مرزها؛ ورود یکی از فرزندان در مرز والدینی و به عهده گرفتن نقش یکی از آنان است که باعث تضعیف صاحب مرز، قدرتمند شدن فرزند، تسلط فرزند والدگون، حسادت و مبارزه فرزندان دیگر برای کسب قدرت می‌شود (توزنده‌جانی، ۱۳۸۴). همچنین پدر و مادری که وارد مرز و نقش همدیگر شده‌اند، در این صورت هر دو نقش را تضعیف کرده و جایگاه پدری و مادری را در نظام روان‌شناختی فرزند متزلزل می‌سازند (جان بزرگی و نوری، ۱۳۸۹، ص ۳۰).

مرزهای درونی گسسته

در مرزهای گسسته یا خشک، ساختار سالم، نظم یا قدرت دیده نمی‌شود و پیوند بین اعضای خانواده ضعیف است (جان، سی، ۱۳۸۷، ص: ۴۵۲). اعضای خانواده ممکن است مستقل عمل کنند، اما گرفتار یک احساس استقلال مسخ شده‌اند و از فقدان حس وفاداری، تعلق، قابلیت وابستگی و حمایت رنج می‌برند، چرا که استقلال اعضای خانواده باید همراه با حس وفاداری، تعلق، پیوستگی و حمایت گروهی باشد، چیزی که در این خانواده‌ها مفقود است. در این خانواده‌ها رفتار اعضاء به‌ندرت مورد توجه قرار می‌گیرد به همین دلیل پتانسیل لازم برای فعال کردن سیستم رفتاری بسیار ناچیز است (مینوچین، ۱۳۸۶، ص: ۲۴۳). روابط بین افراد بسیار خشک و سخت است و رفتارهای اعضا روی هم تأثیر کمی دارد (نیکلز و شوارتز، ۱۳۸۹، ص: ۲۴۲). مینوچین خانواده با مرزهای گسسته را خانواده ناسالم و بدکار دانسته است (مینوچین، ۱۳۸۳، ص: ۸۵). این خانواده‌ها را یخچال‌های عاطفی می‌نامند. آلسون با تلفیق «انسجام، انعطاف‌پذیری و ارتباط»، خانواده‌ها را به پنج سطح گسسته تا حدی پیوسته، پیوسته، خیلی پیوسته و به‌هم‌تنیده تقسیم می‌کند که خانواده‌های بهره‌مند از سه سطح اول، خانواده‌های سالم و متعادل هستند و دو سطح دیگر مربوط به خانواده‌های ناسالم است. در سطوح اول و دوم، افراد یا بیش از اندازه از یکدیگر جدا بوده، به‌طوری‌که کمترین میزان دل‌بستگی یا تعهد را به خانواده خود دارند، یا در حدی به یکدیگر چسبیده‌اند که نمی‌توانند فردی مستقل باشند (آلسون، ۲۰۰۳، ص: ۵۱۴).

ب. مرزهای بیرونی

از آنجا که خانواده نهادی اجتماعی است و با بیرون از منظومه خود تعامل دارد، برای سلامت و کارآمدی باید تابع حدود و مرزهایی باشد که رویکرد ساخت‌نگر آن‌ها را مرزهای بیرونی خانواده نامیده است. مرزهای بیرونی؛ متمایز کننده خانواده با بیرون از خود است که کمیت و کیفیت منظومه خانواده و زیرمنظومه‌ها با بیرون را معین می‌کند. این مرزها از نظر انعطاف، نفوذپذیری و سایر ویژگی‌ها متفاوت و دارای سه کیفیت کلی «روشن و منعطف، مبهم و تنیده، گسسته» است (گلدنبرگ، گلدنبرگ، ۱۳۸۵، ص: ۱۴۲).

مرزهای بیرونی روشن و منعطف

موقییت خانواده وابسته به این است که دارای مرزهای بیرونی روشن و منعطف باشد و بتواند مسائل خود را بدون درگیر کردن دیگران حل و فصل نماید (کرو و ریدلی، ۱۳۸۴). خانواده با مرزهای بیرونی روشن و منعطف؛ با حفظ استقلال خود، با بیرون ارتباط دارد، در منظومه‌های دیگر مداخله نمی‌کند، اجازه دخالت نیز نمی‌دهد و اعضای خانواده علی‌رغم اتحاد درونی، با بیرون تعامل دارند.

مرزهای بیرونی مبهم و تنیده

در خانواده‌هایی با مرزهای مبهم و تنیده؛ ارتباط با بیرون بسیار تنگاتنگ، نامتمايز و تفکیک نشده است، اعضا به بیرون اتکای افراطی دارند، دلبستگی و وابستگی بیرونی جانشین توجه به کانون خانواده شده است، دیگران به سادگی وارد منظومه خانواده شده و دخالت می‌کنند، این مرز بسیار ضعیف است، از این رو تعارضات دیگران بر روی خانواده و اعضای آن اثر فراوانی دارد. تنیدگی مرزهای بیرونی خانواده باعث تضعیف مرزهای درون خانواده می‌شود. افراد این خانواده‌ها به‌جای همبستگی، احترام و ارزش قائل شدن برای منظومه خود، بیشتر با اطرافیان وارد رابطه می‌شوند و زمینه دخالت آنان را فراهم می‌سازند (کیانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص: ۱۰۲).

تحقیقات میدانی نشان داده است؛ بسیاری از اختلالات زناشویی نتیجه دخالت غیرمنطقی خانواده‌های اصلی در روابط زوجین، یا همان شکستن مرزهای خانواده توسط والدین و اطرافیان زوجین است (هنریان، یونسی، ۱۳۹۰، ص: ۱۳۰). اگر یکی از زوجین در مرحله «تفرد» موفق نبوده باشد و همچنان به خانواده اصلی خود وابسته باشد، در خانواده جدید خود کمتر حضور دارد. این امر باعث بی‌توجهی به تکالیف زناشویی و والدینی می‌شود. نشانه «عضویت» ناموفق در زیرمنظومه زوجینی؛ این است که بعد از تولد فرزند، والدین دچار توجه افراطی به فرزند و درگیری مرضی با نقش والدینی می‌شوند، در نتیجه شخصیت و رفتارهای وابسته و نابالغ را در کودک خود شکل داده و تقویت می‌نمایند (توزنده‌جانی، ۱۳۸۴).

مرزهای بیرونی گسسته

مرز بیرونی گسسته به معنای؛ تعامل ضعیف و محدود و یا عدم تعامل با بیرون از منظومه خانواده است. خانواده‌های با مرزهای بیرونی گسسته؛ دارای ارتباط‌های بیرونی ضعیف، ناپیوسته، بدون تعلق، بدون حس هم‌دردی، وفاداری و حمایت و همچنین محروم از حمایت بیرونی هستند. در چنین خانواده‌هایی تعلق به گروه و حس تعاون پایین است.

از تعامل دو نوع مرز «درونی و بیرونی» با کیفیات سه‌گانه «روشن و منعطف، مبهم و تنیده و گسسته»، ۹ نوع مرز برای خانواده قابل تصور است که از نگاه روان‌شناسی، خانواده با مرزهای درونی و بیرونی روشن و منعطف بهترین و کارآمدترین خانواده است.

ارزیابی و نقد مرزها در روان‌شناسی

رویکرد ساخت‌نگر تاحدودی در عملکردهای تعیین شده، هدایت هدفمند و برنامه‌ریزی شده سیستم‌ها به بن‌بست رسید. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی که بر سر راه این رویکرد قرار گرفت این بود که چه کسی توانایی و صلاحیت دارد برای خانواده مرز تعیین کند؟ چه معیارها و مرزهایی را می‌توان مشخص و تجویز نمود که خود برآیند توافق‌های اجتماعی نباشد؟ (شلیبه و شوایتزر، ۱۳۸۰، ص: ۷۳). علاوه بر اینکه واژه «مرز» در این رویکرد اصطلاحی کلیشه‌ای و استعاره‌ای است (همان، ص: ۸۴).

این رویکرد در بافت فرهنگی - اجتماعی دیگری شکل گرفته و مبانی عام و خاص آن با مبانی اسلامی در تضاد است، به همین دلیل انطباق محتوای آن با شرایط عقیدتی و بومی ما جنبه مطلق ندارد (پیرمرادی، ۱۳۸۰، ص: ۱۳). روان‌شناسی معاصر چگونگی شکل‌گیری و انحلال خانواده را مورد توجه قرار نداده است و حتی برخی، خویشاوند بودن اعضای خانواده را نیز ضروری نمی‌دانند. در حالی که قرآن کریم کیفیت، کمیت، شرایط ازدواج و تشکیل خانواده و همچنین در صورت عدم پابندی به مرزهای الهی (بقره/ ۲۲۹) برای انحلال خانواده و جدایی زوجین قوانین خاصی را وضع کرده است.

تعدادی از مبانی این رویکرد عبارت‌اند از: انسان‌محوری، سکولاریسم، فردگرایی و تجربه‌گرایی. ساخت‌نگرها دین را صرفاً به‌عنوان یک ابزار درمان خانواده مورد توجه قرار داده‌اند (سالاری‌فر، ۱۳۷۹، ص: ۱۱۰). مینوچین معتقد است اگر خانواده‌ای، برخی امور اخلاقی مانند دستور خدا را درست می‌داند، باید از همین راه آنان را ملزم به حل مشکل نمود (مینوچین، ۱۹۸۱، ص: ۲۱۵). اگرچه رسالت خود را سوق دادن خانواده از وضعیت غیر عملکردی به وضعیت عملکردی اعلام کردند (شلیبه و شوایتزر، ۱۳۸۰، ص: ۳۶)، اما بی‌توجهی به دین و آموزه‌های وحیانی بر رویکرد آنان سیطره دارد.

با نگاهی گذرا به آموزه‌های اسلامی می‌توان دریافت که اسلام تمام ساخت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان را مورد توجه قرار داده است (نحل/ ۸۹). در بینش توحیدی همه هستی از آن خدای متعال و در مسیر حرکت به سوی او (بقره/ ۱۱۵، ۱۵۶، ۲۱۰) و خانواده بستر

خودسازی و شکوفایی است (مطهری، ۱۳۶۷، ص: ۳۸۹). رسالت و اهداف متوسط و غایی نیز تماماً الهی و خدامحور هستند؛ بنابراین مرزها و سایر مؤلفه‌های خانواده نیز خدامحور و الهی است.

رویکرد ساختاری خانواده، الهی و دو ساحتی بودن انسان (فجر/ ۲۹؛ تحریم/ ۱۲؛ ص: ۷۲)، هدفمندی خلقت (ذاریات/؛ مؤمنون/ ۱۱۵) جاودانگی انسان (زلزال/ ۷-۸) و مانند آن را نادیده گرفته است. این در حالی است که امروزه بیش از هر زمان دیگری به نقش کلیدی ایمان و معنویت در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی نیازمندیم (سالاری‌فر، ۱۳۷۹، ص ۷۵).

اسلام خانواده را منشأ کمالات معنوی، نیل به آرامش، بقای نسل، پاک‌دامنی، امنیت اجتماعی و مانند آن‌ها می‌داند (روم/ ۲۱). مرتبه‌ای از پختگی و پویایی فقط در کانون خانواده دست‌یافتنی است (ر.ک: مطهری، ۱۳۶۷، ص: ۳۸۹)؛ اما درعین‌حال؛ منحصر بودن علل کمال و گمراهی و یا بیماری‌های فردی در خانواده و ساختار آن را نمی‌پذیرد و کنش و واکنش‌های انسان را برآیند وراثت، محیط، تربیت و اختیار او می‌داند (ر.ک: بی‌ریا، ۱۳۷۵).

در رویکرد ساختاری خانواده؛ مرزها خطوط نامرئی، صرفاً روانی، کارکردی، فرضی و قراردادی هستند (مینوچین، ۱۳۸۶، ص: ۲۴۳، بارکر، ۱۳۸۲، ص: ۱۱۰)؛ اما در اندیشه قرآنی؛ حق الزام و تعیین حدود و مرزها از آن خداوند متعال است (آل‌عمران/ ۱۵۳؛ یونس/ ۳ و ۳۱). «... لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (اعراف/ ۵۴). از آنجا که خالق هر اثری بر شرایط بهتر بهره‌وری آن، احاطه بیشتر و کامل‌تری دارد از این رو به دلیل عقلی باید پذیرفت که دستورات خالق انسان و حدود و مرزهایی که او برای تعاملات خانوادگی و اجتماعی بشر معین کرده است، بهترین حدود و مرزهاست. منظور از امر؛ قوانین و نظاماتی است که به فرمان پروردگار در عالم هستی حکومت می‌کند و آن‌ها را در مسیر خود رهبری می‌نماید (تفسیر نمونه، ج ۶، ص: ۲۰۸). تدبیر و نظم‌بخشی صفات و افعال مخلوقات مختص حق تعالی است (ترجمه المیزان، ج ۸، ص: ۱۸۹). اوامر و نواهی الهی دایر مدار حکمت واقعیه و نفس الامریه است، از این رو دارای اثر وضعی هستند (تفسیر اثنا عشری، ج ۱، ص: ۳۱۸). مرزهای خانوادگی از دیدگاه قرآن؛ اوامر و نواهی اعتقادی، اخلاقی و رفتاری ناظر به ساحت خانوادگی انسان است که همگی دارای جعل الهی، ناظر به‌واقع و در مسیر کمال حقیقی بشر ترسیم شده‌اند و این جعل تکوینی الهی است نه صرفاً قراردادی بشری (نورمفیدی، ۱۳۸۸، ص: ۴۲۰). در رویکرد اسلامی مرزهای خانوادگی عبارت‌اند از باید و نبایدهایی واقعی که در راستای نیل به کمال مطلوب توسط خداوند متعال وضع شده است. مرزهای بینشی، ارزشی و رفتاری؛ ناظر به‌واقع بوده و بر اساس مصالح و مفاسد واقعیه ترسیم شده است (ر.ک: مصباح، ۱۳۹۰).

چنانچه بیان شد؛ مینوچین علت تعارض‌های خانوادگی را مرزهای نابهنجار و درمان آن را تعیین مرزهای خانواده دانسته و درمان‌گران خانواده را «مرز ساز» نامیده است؛ اما قرآن کریم ریشه آسیب‌های خانوادگی را دوری از ذکر و یاد خدا بیان کرده است «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه/ ۱۲۴). در بینش قرآنی، راهکار برخورد با تعارضات و بحران‌ها؛ توبه

و برگشت به خدا (هود/ ۳، ۵۲)، توجه به او (رعد/ ۲۸) و رعایت تقوی (طلاق/ ۵) دانسته شده است. خداوند متعال در خصوص اختلاف‌های خانوادگی؛ زن و شوهر را به صلح و گذشت (نساء/ ۱۲۸) و معاشرت معروف امر کرده (نساء/ ۱۹؛ بقره/ ۲۲۸) و زنان را ملزم به تبعیت از شوهر خود نموده است (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص: ۱۴).

ارزیابی در رویکردهای غربی «هنجار محور» است (کاویانی، ۱۳۹۴) و مینوچین ملاک ارزیابی و بهنجاری را وضوح و انعطاف مرزها دانسته است که تماماً قراردادی هستند؛ اما در جهان بینی الهی، ارزیابی «معیار محور» و بر اساس هماهنگی با ملاک‌های اخلاق، قوانین الهی و در راستای کمال مطلوب بودن است (شجاعی، حیدری، ۱۳۸۹، ص: ۶۷). از نگاه روان‌شناسی خانواده با مرزهای درونی و بیرونی روشن و منعطف بهترین و کارآمدترین خانواده است، اما از نگاه اسلام تعیین کمیت و کیفیت مرزها نیز دارای جعل الهی بوده و دارای قوانین خاصی است.

ساختار قدرت که از پایه‌های اساسی مرزها و کارآمدی خانواده است، در نظر آنان وابسته به قراردادهای خانوادگی، مقبولیت، موقعیت‌ها و برتری‌های مادی، تحصیلاتی، اجتماعی و مانند آن است؛ اما اسلام مرد را در خانواده صاحب قدرت قرار داده (نساء/ ۳۴) و این قدرت را غیرقابل واگذاری دانسته است.

مینوچین و همکارانش به صورت افراطی بر نقش ساختار خانواده تأکید کرده و رفتار هر عضو را تابعی از رفتارهای سایر اعضا می‌داند (مینوچین، ۱۳۸۳) و عوامل وراثتی و محیطی را نادیده گرفته‌اند. مینوچین در این رابطه می‌گوید؛ این طبیعت پژوهش است که در یک بخش خاص عمیق می‌شود، اما همین پرداختن به یک بعد، باعث نادیده گرفتن سایر عوامل شده است (مینوچین، ۱۳۸۳، ص: ۳۲۱).

رویکرد ساخت‌نگر به کیفیت شکل‌گیری و انحلال خانواده توجهی ندارد اما در اندیشه اسلامی شکل‌گیری و انحلال خانواده تابع قوانین و مرزهای خاصی مانند عقد ازدواج و طلاق است که دارای ضمانت اجرا بوده و برای عدم پابندی به آن‌ها مجازات‌های سنگین دنیوی و اخروی مقرر شده است.

یکی دیگر از اشکالات این نظریه؛ اختلاف نظرهای درونی آن است. مینوچین خانواده با مرزها گسسته را بدکار دانسته، اما آلسون چنین خانواده‌ای را در سطح خانواده‌های متعادل قرار داده است (آلسون، ۲۰۰۳، ص: ۵۱۴).

مرزهای خانواده از دیدگاه اسلام

آموزه‌های وحیانی اسلام تمام عرصه‌های زندگی بشر را شامل می‌شود (انعام/ ۵۹). خانواده و مرزهای آن نیز از این جامعیت و شمول مستثنا نیستند. بیش از یک‌سوم معارف حکمت عملی به تدبیر خانواده می‌پردازد که در قیاس با تدبیر فرد و جامعه از جایگاه بی‌نظیری برخوردار است (منابع فقه شیعه، ج ۲۵، ص: ۸). مرز به معنای لغوی و اصطلاحی را می‌توان در میدان معنایی

خانواده در منابع دینی پیگیری نمود. در آیات متعدد قرآن کریم تعبیر «مرزهای الهی» آمده و همین معنی در برخی احادیث تحت عنوان «حمایت از حمی» (نگهداشتن حریم منطبقه ممنوعه) بیان شده است (تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۶۵۳؛ ج ۲، ص ۱۷۲).

قرآن کریم در موارد متعدد همگان را به حفظ حرمت کانون خانواده و مرزهای آن سفارش کرده (تحریم/ ۶) و حتی شرط صلح زوجین بعد از اختلاف و برگشت بعد از طلاق را پایبندی به این حدود و مرزها دانسته است (بقره/ ۲۳۰؛ ۲۳۲). در جای دیگری وعده داده است که اگر همسران مرزهای الهی را مراعات نمایند هیچ آسیبی کانون خانواده آنان را تهدید نخواهد کرد (بقره/ ۱۰۲).

اوامر، نواهی و رخصت‌های الهی، حدود و مرزهای عقیدتی، اخلاقی و رفتاری هستند که با تنظیم زندگی دنیوی، زمینه تعالی و سعادت بشر را فراهم می‌سازند. قرآن کریم انسان را به زندگی در محدوده این مرزها دعوت می‌کند (نازعات/ ۳۷ - ۴۱). تقوی و پیروی نکردن از هواهای نفسانی، در واقع به معنای مهار انگیزه‌ها و قرارگیری در چارچوب‌ها و مرزهای الهی است.

آن بخش از آموزه‌های دینی که با هدف تنظیم و تعالی خانواده و اعضای آن در منابع اسلامی بیان شده، مرزهای خانواده است. به بیان دیگر مراد از مرزهای خانواده در نگاه اسلامی عبارت است از؛ تمام حدود و قیود الزامی و غیر الزامی (بایسته‌ها و شایسته‌ها)، که در آموزه‌های اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین و شریعت آسمانی انسان ساز، در مورد خانواده وجود دارد (قوانین تعاملی خانواده و اعضای آن با یکدیگر و با بیرون از خود). از آنجا که آموزه‌های اسلامی به سه بخش «اعتقادات، اخلاقیات و احکام» تقسیم می‌شوند، مرزهای خانواده به سه نوع (مرزهای اعتقادی، اخلاقی و رفتاری) قابل تقسیم و از نظر کیفیت دو نوع است: «الزامی غیر منعطف، غیر الزامی منعطف». کیفیت و کمیت تعاملات درونی و بیرونی خانواده نیز در قالب همین مرزها قابل ترسیم است. اکنون به برخی از شاخص‌ترین مرزهای خانواده از دیدگاه اسلام اشاره خواهیم نمود.

الف: مرزهای جامع

برخی از مرزهای بیان شده در آموزه‌های اسلامی، در مورد کلیت نظام خانواده است و اختصاص به بعد درونی یا بیرونی آن ندارد، از این رو با عنوان مرزهای جامع بیان می‌شود.

۱- تقدم پیوند مکتبی بر خویشاوندی

یکی از اصول مترقی اسلامی عضویت و گسست پیوند خانوادگی با معیار «طاعه الله» است. خداوند متعال در قرآن یکی از عالی‌ترین درس‌های انسانی و تربیتی را بیان می‌کند که در مکتب‌های مادی مطلقاً مفهوم ندارد و آن تقدم پیوند مکتبی بر پیوند نسبی و خویشاوندی است (هود/ ۴۶). پیوندهای مادی در مکتب‌های آسمانی همیشه تحت‌الشعاع پیوندهای معنوی است. فرزند پیامبر بزرگی همچون نوح (ع)، بر اثر گسستن پیوند مکتبی با پدر، آن‌چنان طرد می‌شود

که با «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ» روبرو می‌گردد (تفسیر نمونه، ج ۹، ص: ۱۱۹). از نگاه قرآن کریم پیوند زوجیتی که بر اساس مکتب و رعایت حدود و مرزهای الهی باشد با مرگ گسسته نخواهد شد و خداوند متعال به چنین افرادی وعده داده است که در بهشت با همسران خود هم‌نشین خواهند بود (رعد/ ۲۳؛ غافر/ ۸). از سوی دیگر افرادی که همسران، فرزندان و اموال خود را بر خدا و رسول و انجام تکالیف الهی مقدم می‌دارند، فاسق خطاب کرده و به آنان وعده عذابی سخت داده است (توبه/ ۲۴). این به معنای بریدن پیوندهای دوستی و محبت با همسران، فرزندان و خویشاوندان و سوق دادن به ترک عواطف انسانی نیست، بلکه منظور این است که بر سر دوراهی‌ها نباید عشق زن، فرزند، خانه و خانواده مانع از اجرای حکم خدا گردد (تفسیر نمونه، ج ۷، ص: ۳۳۵).

بنابراین یکی از تفاوت‌های بنیادین اسلام و روان‌شناسی در ملاک «عضویت و خروج» از منظومه خانواده است. رویکرد ساختاری خانواده به خروج اعضای این زیرمنظومه اشاره‌ای نکرده است اما در اسلام خروج از مکتب، باعث خروج از این منظومه دانسته شده است. از سوی دیگر در اسلام، عضویت در منظومه خانواده و زیرمنظومه فرزندان علاوه بر تولد، از طریق رضاع و فرزندخواندگی نیز ممکن است؛ بنابراین اولین و جامع‌ترین مرز در رویکرد اسلامی «طاعه الله» است.

۲- تکوین و انحلال خانواده

کیفیت تکوین و انحلال خانواده، یکی دیگر از مرزهای مهم آن است. قرآن کریم کیفیت شکل‌گیری خانواده را عقد ازدواج (نور/ ۳۲؛ احزاب/ ۴۹؛ نساء/ ۲۴) و کیفیت انحلال آن را طلاق یا فسخ عقد ازدواج دانسته (بقره/ ۲۲۹ تا ۲۴۱؛ طلاق/ ۱) که هر دو مورد دارای شرایط خاصی هستند (توضیح المسائل امام خمینی، م ۲۳۶۳-۲۴۷۰). قرآن راه‌کارهای شناختی و رفتاری استحکام خانواده و دستیابی به زندگی گوارا را چنین بیان کرده است: ایمان (نحل/ ۹۷)، تقوی (طلاق/ ۲-۴)، توجه دائمی به خداوند متعال (طه/ ۱۲۴)، یاد خدا (رعد/ ۲۸)، التزام عملی به حدود و مرزهای الهی (نساء/ ۱۷۳؛ رعد/ ۲۹؛ نحل/ ۹۷)، رعایت حقوق و وظایف متقابل (بقره/ ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۳۴؛ نساء/ ۱۹، ۱۷۳؛ کهف/ ۱۱۰)، رعایت حقوق زن توسط مرد (بقره/ ۳۴؛ نساء/ ۱۹) و رعایت حقوق مرد توسط زن (نساء/ ۳۴). عوامل مذکور باعث آرامش روانی زوجین (طه/ ۱۱۲؛ بقره/ ۶۲)، محبت طرفینی (مریم/ ۹۶) و حل اختلافات و فراموشی بدی‌ها و کاستی‌ها (فرقان/ ۷۰) شده که می‌تواند به تقویت مرزها و در نهایت خوشبختی و رستگاری زوجین (قصص/ ۶۷) بیانجامد (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۸۵).

۳- حریم خانه و خانواده

در آموزه‌های اسلامی به تبع جایگاه خانواده، خانه و منزل دارای اهمیت بالایی است و ورود در خانه دیگران منوط به کسب اجازه و هماهنگی با اهل خانه می‌باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ

تَذَكَّرُونَ * فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَ إِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (نور / ۲۷-۲۸؛ بقره / ۱۸۹). اسلام برای ورود بدون اجازه و نگاه مخفیانه به حریم منزل دیگران مجازات‌های سنگینی وضع کرده است (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص: ۴۳۴). حتی ورود والدین به خانه فرزندان و برعکس هم طبق توصیه رسول اکرم (ص) مناسب است با کسب اجازه باشد (کافی، ج ۵، ص: ۵۲۸).

ب: مرزهای درونی خانواده

آن دسته از آموزه‌های قرآنی و روایی که ناظر به تنظیم روابط زیرمنظومه‌ها و تعاملات اعضای خانواده است، تحت عنوان مرزهای درونی خانواده جای می‌گیرند. حریم‌های روابط زوجین، والدین و فرزندان، فرزندان باهم، اعضای سببی با سایر فرزندان نسبی و مانند آن از این نوع هستند که به اختصار بیان خواهد شد.

۱- مرزهای زیرمنظومه زوجینی

قرآن کریم زیرمنظومه زوجینی و مرزهای آن را به‌عنوان اولین زیرمنظومه و مرز درونی خانواده مورد توجه قرار داده و هنگام بیان احکام و مرزهای آن، با به‌کارگیری لطیف‌ترین واژگان همچون «لباس» و «الرفث» احترام این کانون مقدس را پاس داشته است (ترجمه المیزان، ج ۲، ص: ۶۵). وجود حدود ۶۰ آیه در قرآن کریم با موضوع زوجین نشان از اهمیت از زیرمنظومه مقدس در اندیشه وحیانی قرآن دارد. مهم‌ترین مرز در زیرمنظومه زوجینی این است که زنان و مردان تنها با همسران خود رابطه جنسی داشته باشند (مؤمنون / ۵-۶؛ معارج / ۲۹-۳۰) و در این روابط از مرزهای شرعی تجاوز نکنند (شعراء / ۱۶۶). در شریعت اسلامی از گونه‌های متعدد روابط جنسی تنها سی‌وچهار صورت آن ممنوع شده که هفده مورد آن در قرآن و هفده صورتش در سنت بیان شده است (خصال، ج ۲، ص: ۶۳۳).

یکی دیگر از این مرزهای مهم زوجینی «زمان و مکان اختصاصی» است. از برخی آیات قرآن کریم به دلالت التزامی برداشت می‌شود که زوجین به خلوت مستمر نیاز دارند. از این رو شایسته است؛ همسران محلی مخصوص به خود داشته باشند و اعضای دیگر خانواده در سه زمان از شبانه‌روز بدون اجازه، حق ورود به آن مرز را ندارند.^۱ پابندی به این حریم و مرز روشن زوجین برای ارضای نیازهای روانی-جنسی، حصول حمایت‌های عاطفی طرفینی و همچنین تعاملات، تصمیم‌گیری‌ها و حل مشکلات خصوصی آنان ضروری است. چراکه آثار و برکات

^۱ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و نیمروز هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشا این سه وقت خصوصی برای شماس است اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و برگرد یکدیگر بگردید (نور / ۵۸).

زوجیت؛ مانند آرامش و صمیمیت (روم / ۲۱؛ اعراف / ۱۸۹)، پوشانندگی (بقره / ۱۸۷) و شادمانی و رضایت (فرقان / ۷۴) جز در سایه چنین مرزی دست‌یافتنی نخواهد بود.

در آموزه‌های اسلامی علاوه بر مرزهای زیرمنظومه‌ها، بین اعضای زیرمنظومه‌ها نیز مرزهایی ترسیم شده است. از این‌رو درون زیرمنظومه زوجین نیز مرزهایی وجود دارد، که همسران باید به آن پایبند باشند. علاوه بر دستورات شرعی و اخلاقی ناظر به تعاملات بین فردی مانند ممنوعیت غیبت، دروغ، تهمت، توهین و تحقیر، سایر آموزه‌های اسلامی که به‌صورت ویژه در مورد روابط زوجین وارد شده است، تماماً از این نوع هستند، مواردی همچون حفظ اسرار خصوصی همسران، عدم ذکر محاسن مرد یا زن نامحرم توسط زوجین، حفظ احترام طرفینی زوجین نزد فرزندان، حقوق واجب همسران.

ممنوعیتظهار (احزاب / ۴)، لعان (نور / ۶)، خودداری مرد از آمیزش جنسی بیش از چهار ماه در صورت عدم رضایت همسر، ممانعت زن از آمیزش جنسی در صورت تمایل مرد، ممنوعیت آمیزش جنسی در ایام عادت ماهانه زن، در ایام روزه‌داری، در مرئی و منظر شاهد ممیز حتی اگر کودک باشد، افشای جزئیات روابط جنسی نزد دیگران و آمیزش جنسی غیرطبیعی در صورت عدم رضایت همسر همگی از مرزهای الزامی غیر منعطف زیرمنظومه زوجینی هستند. حقوق غیر واجب همسران و سایر احکام شرعی و اخلاقی شایسته و ناشایسته ناظر به تعاملات عادی و روابط جنسی زوجین از جمله مرزهای غیر الزامی منعطف زیرمنظومه زوجینی است.

۲- مرزهای زیرمنظومه فرزندان

اگرچه همشیرها محرم‌اند اما بین آنان حدود و مرزهایی وجود دارد که برخی الزامی غیر منعطف و تعدادی دیگر غیر الزامی منعطف است. ممنوعیت تماس بدنی مفسده‌انگیز و یا همراه با لذت، نگاه به برخی نقاط حساس بدن، افشای اسرار و سایر احکام اخلاقی همگی از مرزهای الزامی غیر منعطف زیرمنظومه فرزندان است. مواردی همچون ورود در حریم خصوصی و استفاده از وسایل شخصی یکدیگر که تابع کسب اجازه و رضایت است از جمله مرزهای غیر الزامی منعطف می‌باشد. علاوه بر فرزندان نسبی، عضویت فرزندان رضاعی (نساء / ۲۳؛ مکارم، توضیح المسائل، م ۲۱۰۸) نیز مورد تأیید اسلام است.^۱ فرزندان خوانده گرچه به لحاظ فقهی و حقوقی حکم فرزند واقعی انسان را ندارد (احزاب / ۴)، اما سرپرستی از او مشروط به محرمیت یا سایر احکام مخصوص فرزندان نیست و می‌توان با تدابیر خاص و رعایت مرزهای شرعی و اخلاقی (توضیح المسائل امام خمینی ره، م ۲۴۶۴) این مشکلات را رفع نمود (مکارم، ۱۳۸۳،

۱- خَيْرٌ بِيُوتِكُمْ بَيْتٌ فِيهِ بَيْتِيُمْ يُحْسِنُ إِلَيْهِ وَ شَرٌّ بِيُوتِكُمْ بَيْتٌ يَسَاءُ إِلَيْهِ، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۷۴.

ص: ۱۰۳). این تدابیر و قوانین خاص؛ مرزهای میان فرزندان نسبی با رضاعی و فرزندخوانده است.

۳- مرزهای زیرمنظومه والدین - فرزندان

حدود و قوانین شرعی و اخلاقی یا همان بایسته‌ها و شایسته‌هایی که ناظر به تنظیم تعاملات والدین و فرزندان است، مرزهای زیرمنظومه والدین - فرزندان را تشکیل می‌دهند. در تعالیم اسلامی به مرزهای فرزندان و تعاملات آنان با والدینشان توجه ویژه‌ای شده است. در احادیث آمده است؛ فرزندان وقتی به سن تمیز (تشخیص خوب و بد) رسیدند باید هنگام ورود به مرز والدین اجازه بگیرند (نور/ ۵۹) و بسترشان از پدر و مادر و از یکدیگر جدا شود (وسایل الشیعه: ج ۱۴، ص: ۱۷۱).

چگونگی و میزان توجه و محبت والدین به فرزندان، پوشش مناسب والدین نزد فرزندان ممیز و فرزندان نزد والدین، عدم اطلاع فرزندان از روابط جنسی والدین، پرهیز از بغل کردن و بوسیدن لب‌های دختر بچه توسط پدر و برعکس توسط مادر، سخن گفتن محترمانه، پرهیز از خشونت، ارضای نیازهای جسمی، روانی، عاطفی و سایر نیازهای بنیادین فرزندان توسط والدین و رعایت حقوق واجب و مستحب (الزامی غیر منعطف و غیر الزامی منعطف) والدین توسط فرزندان همگی از مصادیق مرزهای ارتباطی والدین و فرزندان است.

ج: مرزهای بیرونی خانواده

انسان فطرتاً اجتماعی آفریده شده و تمام شؤون او اجتماعی است. بدون شک اسلام تنها دینی است که بنیان خود را بر اجتماع نهاده و این معنا را به‌صراحت اعلام کرده است. بر اساس همین جایگاه و اهمیت اجتماع است که هیچ شأنی از شؤون اجتماعی بشر را مهمل نگذاشته است (ترجمه المیزان، ج ۴، صص: ۱۵۰ - ۲۰۰). آن دسته از آموزه‌های اسلامی که ناظر به تنظیم روابط منظومه خانواده و اعضای آن با اجتماع است، تحت عنوان مرزهای بیرونی خانواده جای می‌گیرند.

خداوند متعال حفاظت از خانواده را که به منزله پناهگاه انسان در زندگی اجتماعی است واجب ساخته و تعیین مجازات‌های سنگین را ضمانت اجرای آن قرار داده است. اسلام همان‌گونه که برای مرتکب اعمال منافی عفت، مجازات مقرر داشته، برای کسانی که به مردان و زنان پاک‌دامن تهمت چنین اعمالی بزنند نیز مجازاتی سخت معین کرده است، زیرا چنین تهمت‌هایی نوعی از تجاوز به سلامت خانواده محسوب شده، جامعه‌ای که ارزش خانواده در آن سقوط کرده باشد به‌آسانی به گرداب مفاسد و فحشاء فرو می‌افتد (تفسیر هدایت، ج ۸، ص: ۲۵۵)؛ بنابراین یکی از مرزهای بیرونی خانواده؛ حفظ حرمت آن توسط سایرین است.

کیفیت و کمیت تعاملات بیرونی اعضای خانواده، احکام شرعی و اخلاقی بایسته و شایسته ناظر به تعاملات اعضای خانواده با ارحام، خویشاوندان، دوستان، همسایگان و سایر نامحرمان همگی در دامنه مرزهای بیرونی خانواده جای می‌گیرند. منابع دینی ما سرشار از

آموزه‌هایی است که افراد را به تعاون، همیاری، خیرخواهی و دست‌گیری از دیگران، انفاق فی سبیل الله، احسان و صلہ ارحام، خویشاوندان، دوستان و فقراء و مانند آنان دعوت می‌کند که مانع گسستن خانواده از اجتماع خواهد شد (هوشیاری، موسوی، صفورایی، ۱۳۹۵).

یکی از مرزهای مهم خانواده، ورود و خروج از خانه است. در احادیث (نهج البلاغه، نامه ۳۱؛ مجموعه ورام ج ۱، ص ۶)، تفاسیر قرآن کریم (مکارم شیرازی، ج ۳، ص: ۳۷۰؛ آلوسی، ج ۳، ص: ۲۴) و فتاوی فقهای شیعه (توضیح المسائل مراجع، م ۱۲۹۵-۱۲۹۴) ورود و خروج اعضای خانواده، مسافرت‌های آنان و ورود دیگران به خانواده باید با اجازه و اطلاع پدر خانواده صورت گیرد. این احکام در راستای نقش و مرز مدیریتی و قوامیت پدر است که دارای جعل الهی (نساء / ۳۴) بوده و قابل واگذاری نیست^۱ (ترجمه المیزان، ج ۴، ص: ۵۵۲). پابندی اعضای خانواده به این مرز و عدم ورود در آن باعث کارآمدی خانواده می‌گردد (ر.ک: یونسی، ۱۳۸۸، ص: ۱۵). در قانون مدنی ایران نیز (ماده ۱۱۰۵)، ریاست خانواده از خصایص شوهر دانسته شده است (منصور، ۱۳۸۱). البته باید توجه نمود که اصل‌های «عدالت» (مائدہ / ۸ و انعام / ۱۵۲)، «معروف» (نسا / ۱۹) و «مشورت» (شوری / ۳۸؛ طلاق / ۶؛ بقره / ۲۳۳) از قوانین این مرز و نقش است. تمام موارد مذکور در حیطة مرزهای بیرونی خانواده دسته‌بندی می‌شوند.

سلسله‌مراتب حجاب و حدود الزامی و غیر الزامی تعاملات مردان و زنان از جمله مرزهای درونی و بیرونی خانواده است. اسلام برای پوشش، نگاه (مجلسی، ج ۱۰۱، ۳۴)، تماس بدنی (حر عاملی، ج ۲۰، ص ۲۹)، شوخی (حر عاملی، ج ۲۰، ص ۱۹۸) خلوت کردن و اختلاط جنسی (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۸۵) و سایر تعاملات مردان و زنان مرزها و حدودی معین کرده و دستور می‌دهد به‌صورت تحریک‌آمیز با جنس مخالف تعامل نکنند (نور / ۳۰-۳۱) و در صورت ضرورت به حد لزوم اکتفا نمایند (وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص: ۱۴۳). تمام این حدود و مرزها در راستای تقویت نظام خانواده و زیرمنظومه‌های آن و جلوگیری از آسیب‌های خانوادگی است.

قرآن کریم مقدمه پابندی به مرزهای خانواده را ایمان به خدا و روز قیامت دانسته (بقره / ۲۳۲) و چنین خانواده‌هایی را الگوی عملی پرهیزکاران در زندگی خانوادگی و اجتماعی معرفی کرده است (فرقان / ۷۴).

نتیجه‌گیری

بررسی مرزها در دیدگاه ساخت‌نگر و تألیفات چهره‌های شاخص این مکتب نشان داد؛ خانواده در اسلام با اموری مانند جایگاه خانواده، مبانی، اهداف، روش‌های ارزیابی و درمان، شکل‌گیری و انحلال، الهی و واقعی بودن مرزها از دیدگاه ساخت‌نگر تمایز می‌یابد.

۱ - سَأَلْنَا أَبَا جَعْفَرٍ رَجُلًا؛ فَقَالَ رَجُلٌ قَالَ لِامْرَأَتِهِ أَمْزُكُ بِيَدِكَ قَالَ أُنَى يَكُونُ هَذَا وَ اللَّهُ يَقُولُ - الرِّجَالُ قَوْلُومُونَ عَلَى النِّسَاءِ لَيْسَ هَذَا بِشَيْءٍ، تهذيب الأحكام، ج ۸، ص ۸۸

در رویکرد اسلامی خانواده نهادی است مقدس که با ازدواج یک مرد و حداقل یک زن شکل می‌گیرد، در اکثر موارد در برگیرنده حداقل یک نوع از فرزندان نسبی، رضاعی، فرزندخواندها و اعضای سببی و دارای کارکردهای وضعی، وظیفه‌ای و مأموریتی است که برآیند آن‌ها تعالی فردی و اجتماعی می‌باشد.

رویکرد ساخت‌نگر متأثر از نظریه‌های انسان‌محوری، سکولاریسم، فردگرایی و تجربه‌گرایی، به دین و اخلاق نگاهی ابزاری دارد، اما در بینش قرآنی، محور خداست و دین تمام ساحت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی زندگی بشری را در بر گرفته و جامع‌ترین مرز؛ مکتب، طاعت و حدود الهی است.

در رویکرد ساخت‌نگر؛ مرزها خطوط نامرئی، صرفاً روانی، کارکردی، فرضی و قراردادی هستند. علت تعارض‌های خانوادگی؛ نابهنجاری مرزها و درمان آن تعیین مرزهای خانواده است. در رویکرد اسلامی خانواده مقدس و دارای مرزها و مؤلفه‌هایی خدامحور و الهی می‌باشد. مراد از مرزهای خانواده در نگاه اسلامی؛ تمام حدود و قیودی الزامی و غیر الزامی (بایسته‌ها و شایسته‌ها) است که از جانب خدای متعال و اولیای دین در مورد خانواده صادر شده است (قوانین تعاملی خانواده و اعضای آن با یکدیگر و با بیرون از خانواده). مرزهای الهی دایره مدار حکمت واقعی و نفس الامریه و دارای جعل الهی است. قرآن کریم ریشه آسیب‌های خانوادگی را دوری از ذکر و یاد خدا بیان کرده و راهکار درمان را برگشت و پایبندی به مرزهای الهی دانسته است. در روان‌شناسی مرزها صرفاً میان زیرمنظومه‌ها تصویر شده است اما در نگاه اسلامی میان اعضای زیرمنظومه‌ها نیز مرزهایی وجود دارد.

روان‌شناسی معاصر چگونگی شکل‌گیری و انحلال خانواده را مورد توجه قرار نداده است، اما در اندیشه اسلامی تکوین و انحلال خانواده تابع قوانین و مرزهای خاصی مانند عقد ازدواج و طلاق است که همگی دارای ضمانت اجرا می‌باشند.

ارزیابی در این رویکرد هنجار محور و ملاک ارزیابی وضوح و انعطاف مرزها است؛ اما در جهان بینی الهی؛ ارزیابی معیار محور و بر اساس هماهنگی با ملاک‌های الهی است.

مرز به معنای لغوی و اصطلاحی را می‌توان در میدان معنایی خانواده در منابع دینی پیگیری نمود. در آیات متعدد قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام تعبیر «مرزهای الهی» آمده است. اوامر، نواهی و رخصت‌های الهی که با هدف تنظیم و تعالی خانواده و اعضای آن بیان شده، در واقع مرزهای خانواده است؛ بنابراین مرزهای درونی و بیرونی خانواده دارای سه نوع (مرزهای اعتقادی، اخلاقی و رفتاری) و دو کیفیت «الزامی غیر منعطف، غیر الزامی منعطف» است.

تقدم پیوند مکتبی بر پیوند نسبی و خویشاوندی و کیفیت تکوین و انحلال خانواده و قوانین آن از مرزهای جامع و مهم خانواده است. آن دسته از آموزه‌های الهی که ناظر به تنظیم روابط زیرمنظومه‌ها و تعاملات اعضای خانواده است، تحت عنوان مرزهای درونی خانواده جای می‌گیرند.

مهم‌ترین مرز زیرمنظومه زوجینی (ازجمله مرزهای درونی) این است که زنان و مردان تنها با همسران خود رابطه جنسی داشته باشند. یکی دیگر از این مرزهای مهم زوجینی «زمان و مکان اختصاصی» است. مواردی همچون حفظ اسرار خصوصی همسران، عدم ذکر محاسن مرد یا زن نامحرم توسط زوجین نزد همسر خود، حفظ احترام طرفینی زوجین نزد فرزندان، رعایت حقوق واجب همسران، خودداری مرد از آمیزش جنسی بیش از چهار ماه در صورت عدم رضایت همسر، ممانعت زن از آمیزش جنسی در صورت تمایل مرد، ممنوعیت آمیزش جنسی در ایام، حالات و مکان‌های خاص و افشای جزئیات روابط جنسی همگی از مرزهای الزامی غیر منعطف بین زوجین است.

ممنوعیت تماس بدنی مفسده انگیز و یا همراه با لذت، نگاه به برخی از نقاط حساس بدن، افشای اسرار و سایر احکام اخلاقی همگی از مرزهای الزامی غیر منعطف زیرمنظومه فرزندان است. ورود در حریم خصوصی و استفاده از وسایل شخصی یکدیگر که تابع کسب اجازه و رضایت است ازجمله مرزهای غیر الزامی منعطف می‌باشد. تدابیر و قوانین حاکم بر تعاملات فرزندان غیر همشیر؛ مرزهای میان فرزندان واقعی با فرزندان رضاعی و فرزندخوانده‌ها است.

بایسته‌ها و شایسته‌های شرعی و اخلاقی ناظر به تنظیم تعاملات والدین و فرزندان، مرزهای زیرمنظومه والدین - فرزندان را تشکیل می‌دهند. مواردی همچون؛ کسب اجازه برای ورود در مرز والدین، جدا شدن بستر آنان از والدین و از یکدیگر، چگونگی و میزان توجه و محبت والدین به فرزندان، پوشش مناسب والدین نزد فرزندان ممیز و فرزندان نزد والدین، عدم اطلاع فرزندان از روابط جنسی والدین، پرهیز از در آغوش کشیدن و بوسیدن لب‌های دختر بچه توسط پدر و برعکس توسط مادر، سخن گفتن محترمانه و پرهیز از خشونت همگی از مصادیق مرزهای ارتباطی (الزامی غیر منعطف و غیر الزامی منعطف) والدین و فرزندان است.

مرزهای بیرونی خانواده؛ آن دسته از آموزه‌های اسلامی است که ناظر به تنظیم روابط منظومه خانواده و اعضای آن با اجتماع می‌باشد. مواردی همچون؛ حفظ حرمت خانواده توسط سایرین، قوانین ناظر به تعاملات اعضای خانواده با ارحام، خویشاوندان، دوستان، همسایگان و سایر نامحرمان. ورود و خروج از خانه که باید با اجازه و اطلاع پدر خانواده صورت گیرد و سلسله مراتب حجاب و حدود الزامی و غیر الزامی تعاملات مردان و زنان از جمله مرزهای درونی و بیرونی خانواده است.

یافته‌ها نشان داد؛ رویکرد ساخت‌نگر و تبیین آن از مرزهای خانواده؛ به دلیل شکل‌گیری در بافت فرهنگی - اجتماعی غیر اسلامی و تضاد نسبی مبانی، محتوی، روش‌ها و اهداف آن با آموزه‌های اسلامی، در جوامع دینی قابل اجرا و تجویز نیست. از این رو پیشنهاد می‌شود برای بهبود وضعیت خانواده، درمان تعارضات و دستیابی به اهداف عالی آن، جایگاه خانواده و مرزهای قرآنی آن بیش از پیش مورد اهتمام، تجویز و آموزش قرار گیرد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۷۹، قم: انتشارات صحفی.
۳. ابعاد جهت‌گیری مذهبی و مرزهای ارتباطی خانواده: یک همبستگی بنیادی، کیانی، احمدرضا، فرحبخش، کیومرث، اسدی، مسعود، شیرعلی‌پور، اصغر، مجله روان‌شناسی و دین، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹.
۴. آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون‌پذیری به کودکان، جان‌بزرگی، مسعود؛ نوری، ناهید، آگاه هریس، مژگان، تهران: ارجمند، ۱۳۸۹.
۵. آموزش درمان و مشاوره سیستمی، آریست فون شلیپه، شوابتزر؛ ترجمه سعید پیرمردی، اصفهان: همام، ۱۳۸۰.
۶. بحار الانوار، مجلسی، محمدباقر، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴-۱۳۶۲.
۷. بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران، هنریان، مسعود؛ یونسی، سید جلال، فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی، سال اول، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۰.
۸. بررسی و مقایسه میزان به‌کارگیری آموزه‌های اسلامی در خانواده‌های سالم و آشفته، حسینی، نرجس السادات، فرحبخش، کیومرث، فاتحی‌زاده، مریم‌السادات، مجله روان‌شناسی و دین، سال پنجم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱.
۹. بهشت خانواده، مصطفوی، جواد، قم: دارالفکر، ۱۳۸۵.
۱۰. پروچسکا، جیمز، نظریه‌های روان‌درمانی، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، رشد، ۱۳۸۵.
۱۱. تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، محمدی ری‌شهری، محمد، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷.
۱۲. تحلیل مبانی فقهی و کارکردهای روان‌شناختی صله رحم، هوشیاری، جعفر؛ سید موسوی، سید علی، صفورایی پاریزی، محمد مهدی، دو فصلنامه علمی- پژوهشی اسلامی زنان و خانواده، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۵.
۱۳. ترجمه تفسیر المیزان، طباطبایی، محمدحسین، مترجم محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
۱۴. تعلیم و تربیت در اسلام، مطهری، مرتضی، تهران: صدرا، ۱۳۶۷.
۱۵. تفسیر اثنا عشری، حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تهران: انتشارات میقات، ۱۳۶۳ ش.
۱۶. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱.
۱۷. تفسیر هدایت، مدرسی، محمدتقی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
۱۸. توضیح المسائل مراجع، بنی‌هاشمی خمینی، محمدحسن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۹. توضیح المسائل، خمینی، روح‌الله، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا.
۲۰. حیل‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح، مکارم شیرازی، ناصر، قم: مدرسه الامام علی (ع)، ۱۳۸۳.
۲۱. خانواده در قرآن، بهشتی، احمد، قم: طریق‌القدس، ۱۳۸۵.

۲۲. خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، سالاری‌فر، محمدرضا، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
۲۳. خانواده‌درمانی پایه، بارکر، فیلیپ، ترجمه محسن دهقانی و زهره دهقانی، تهران: رشد، ۱۳۸۲.
۲۴. خانواده‌درمانی، گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت، ترجمه حمیدرضا حسین شاهی، تهران: روان، ۱۳۸۹.
۲۵. خانواده‌درمانی کاربردی با رویکرد سیستمی، اشرف سادات موسوی، تهران: دانشگاه الزهرا (س)، ۱۳۸۳.
۲۶. خانواده‌درمانی: مفاهیم و روش‌ها، مایکل‌بی. نیکلز، ریچاردسی. شوارتز؛ ترجمه محسن دهقانی، تهران: دانژه، ۱۳۸۹.
۲۷. خانواده‌درمانی، نظام تعاملی چندگانه، تونزنده‌جانی، حسن، کمال‌پور نسرين، مجله تازه‌های روان‌شناسی، شماره ۳۷-۳۸، تابستان ۱۳۸۴.
۲۸. خانواده و خانواده‌درمانی، مینوچین، سالوادور، ترجمه باقر ثنائی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۲۹. خصال، ابن‌بابویه، محمد بن علی، ترجمه فهری زنجانی، احمد، تهران: علمیه اسلامیة، بی‌تا.
۳۰. روان‌درمانی خانواده، هی لی، جی، ترجمه باقر ثنائی، چ چهارم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۳۱. روان‌سنجی از دیدگاه قرآن، کاویانی، محمد، دو فصلنامه قرآن و علم، شماره: ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
۳۲. روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، بی‌ریا، ناصر، تهران: سمت، ۱۳۷۵.
۳۳. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، آلوسی، سید محمود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
۳۴. زن در آینه جلال و جمال، جوادی آملی، عبدالله، قم: اسراء، ۱۳۷۴.
۳۵. زوج‌درمانی کاربردی، کرو، مایکل؛ جین، ریڈلی، ترجمه اشرف سادات موسوی، تهران: مهر کاویان، ۱۳۸۴.
۳۶. فرهنگ عمید، عمید، حسن تهران: نشر سپهر، ۱۳۷۵.
۳۷. فنون خانواده‌درمانی، مینوچین، سالوادور و فیشرمن، اچ. چارلز، ترجمه فرشاد بهاری، تهران: رشد، ۱۳۸۶.
۳۸. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، تدوین جهانگیر منصور، تهران: نشر دی‌دار، ۱۳۸۱.
۳۹. کافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۴۰. مدیریت روابط زناشویی آسیب‌ها و راه‌حل‌ها، یونس، سید جلال، ۱۳۸۸، تهران: نشر قطره.
۴۱. مدیریت خانواده؛ الگوها و مقتضیات، باقری، شهلا، بانوان شیعه، سال ششم، ش ۲۰، ۱۳۸۸.
۴۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری طبرسی، حسین، بیروت: موسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۵.
۴۳. مشاوره خانواده: مرزهای ایمن؛ حفظ مرزها در خانواده‌های سالم، شاهوران فرد، سعیده، مجله رشد مشاوره مدرسه، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۴، صص ۵۷-۶۱.
۴۴. مفاهیم و تئوری‌های کلیدی در خانواده، زیمون، ف.ج. ترجمه سعید پیرمردی، تهران، همام، ۱۳۷۹.

۴۵. مفردات الفاظ قرآن، راعب اصفهانی، حسین بن محمد، مترجم، حسینی، غلامرضا، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۳.
۴۶. مقایسه نظریه خانواده‌درمانی مینوچین با دیدگاه اسلام در باب خانواده، سالاری‌فر، محمدرضا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.
۴۷. منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، بروجردی، آقا حسین، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، بی‌تا.
۴۸. المیزان فی تفسیرالقرآن، طباطبایی، سید محمدحسین، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۴۹. نظام اندیشه اسلامی در مصاف با چالش‌های معاصر، مصباح، علی، قم: مؤسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰.
۵۰. نظام‌های روان‌درمانی، جان، جیمز پروچسکا؛ نوراکس، سی، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: روان، ۱۳۸۷.
۵۱. نظریه‌های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی، شجاعی، محمدصادق؛ حیدری، مجتبی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
۵۲. نقد دیدگاه ساخت‌نگر خانواده از منظر قرآن، هوشیاری، جعفر، جزایری، سید حمید، کنگره بین‌المللی قرآن و علوم، قم: ۱۳۹۵.
۵۳. نگاه اسلام به خانواده، نورمفیدی، سید کاظم، مقاله چاپ شده در کتاب: آرامش و دوستی در ادیان ابراهیمی، به کوشش عبدالرحیم گواهی، غلامرضا اعوانی، تهران: نشر علمی، ۱۳۸۸.
۵۴. وسائل الشیعه، حرعاملی، محمد بن حسن، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹.

55. Bandler, R, Grinder, J, and Satir,v, 1986, Changing with families palo, CA. Science and learning.
56. Jacobson,N,S, Waldorn.H, and Moore,d. 1990. toward a behavioral profile of marital distress. jirnal of consulting and clinical psychology. yol 48,pp 696-703.
57. Minuchin S. (1974) Families and Family therapy. Cambrige: Harward University Press.
58. Neslon, R.O. 1991, realistic dependent measures for dlinical use. jornal of consvldng and clinical
59. Olson, D.H. Goral, D.M. (2003), Circumplex model of marital and family systems. InF, Walsh (eds), Normal family processes (3rd ed.), pp. 514-541. New York: the Guilford Press.